

زندگی پس از مرگ

منازل الآخرة

شیخ عباس قمی رحمۃ اللہ علیہ

فهرست

- ۱۱ به عنوان پیشگفتار
- ۲۳ آنچه می‌خوانید
- ۲۵ انگیزه نگارش
- ۲۷ تولد وزادگاه
- ۲۷ پدر، مادر، کودکی
- ۲۸ خصوصیات اخلاقی
- ۲۹ شوق وافر به اهل بیت رسالت علیهم‌السلام
- ۳۲ رمز موفقیت مردان بزرگ
- ۳۳ شیخ عبدالرزاق و کتاب «منازل الآخرة»
- ۳۴ اخلاص در تألیف
- ۳۵ تهذیب نفس تا کجا...؟! ...
- ۳۶ تحصیلات
- ۴۴ تلاش وی در تبلیغ
- ۴۷ تألیفات
- ۵۳ و سرانجام...
- ۵۵ پیرامون کتاب حاضر
- ۵۸ چند تذکر
- ۶۰ چاپ‌های مختلف «منازل الآخرة»

- ۶۱ منابع ومصادر كتاب «منازل الآخرة»
- ۶۴ منابع زندگى نامه
- ۶۴ كتب شرح حال مؤلف

زندگى پس از مرگ - ۶۷

- ۶۸ تمثال مرحوم محدث قمى رحمته الله
- ۶۹ نمونه‌ای از خط زیبای مرحوم محدث قمى رحمته الله
- ۷۰ صفحه اول از چاپ اول «منازل الآخرة»
- ۷۱ صفحه آخر از چاپ اول «منازل الآخرة»
- ۷۵ مقدمه مؤلف

فصل اول، مرگ - ۷۹

- ۷۹ عَقْبَةُ أُول: سَكْرَاتِ مَوْتٍ وَشَدَّةِ جَانِ كُنْدَنِ اسْت
- ۸۲ واما چیزهایی که باعث آسانی سَكْرَاتِ مَوْتِ اسْت
- ۸۷ عَقْبَةُ دَوْمِ عَدِيلُهُ عِنْدَ الْمَوْتِ اسْت
- ۸۹ چیزهایی که نافع است برای این عقبه
- ۹۱ حکایت اول
- ۹۳ حکایت دوم
- ۹۵ لطیفه

فصل دوم، قبر - ۹۷

- ۹۷ عقبه اول وحشت قبر اسْت

- ۱۰۱ حکایت
- ۱۰۳ عَقَبَةُ دَوْمِ صَنْغَطِه وَفِشَارِ قَبْرِ
- ۱۰۶ چیزهایی که باعث نجات از فشار قبر است
- ۱۱۱ عَقَبَةُ سَوْمِ سَوَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي قَبْرِ
- ۱۱۵ حکایت
- ۱۱۶ حکایت
- ۱۱۷ حکایت

فصل سوم، برزخ - ۱۲۱

- ۱۲۱ از منازل مَهْوَلَةُ بَرَزَخِ اسْت
- ۱۲۶ حکایت
- ۱۲۹ حکایت
- ۱۳۲ حکایت
- ۱۳۴ حکایت
- ۱۳۶ حکایت

فصل چهارم، قیامت - ۱۴۱

- ۱۴۱ یکی از منازل هولناک آخرت، قیامت است

فصل پنجم، بیرون آمدن از قبر - ۱۵۳

- ۱۶۰ حَنْمٌ يَنْكُرُهُ حَنْمٌ

فصل ششم، میزان - ۱۶۳

- یکی از مواقف مهوله قیامت، موقف میزان و سنجیدن اعمال است ۱۶۳
- اما اخبار در فضل صلوات ۱۶۴
- و اما روایات در حُسنِ خُلُقِ پس چنین است ۱۶۹
- روایت اول ۱۶۹
- روایت دوم ۱۷۱
- روایت سوم ۱۷۵
- حکایات در حُسنِ خلقِ پس چنین [است] ۱۷۷
- حکایت اول ۱۷۷
- حکایت دوم ۱۷۹
- حکایت سوم ۱۸۲
- حکایت چهارم ۱۸۶

فصل هفتم، حسابرسی - ۱۸۹

- از جمله مواقف مهوله، موقف حساب است ۱۸۹
- حکایت ۱۹۲
- حکایت ۱۹۵

فصل هشتم، پرونده - ۱۹۷

- از مواقف مهوله قیامت موقفی است که نامه‌های اعمال داده شود ۱۹۷

فصل نهم، صراط - ۲۰۵

- ۲۰۵ یکی از جاهای هولناک آخرت، صراط است
- ۲۱۰ حکایت

خاتمه، عذاب جهنم - ۲۱۵

- ۲۱۵ در ذکر چند خبر از ائمه اطهار علیهم السلام
- ۲۲۱ در ذکر قصص خائفان
- ۲۲۱ قصه اول
- ۲۲۳ قصه دوم
- ۲۳۰ قصه سوم
- ۲۳۱ قصه چهارم
- ۲۳۲ قصه پنجم
- ۲۳۵ قصه ششم
- ۲۳۷ در ذکر چند مَثَلی که موجب تَنبُّه مؤمنان است
- ۲۳۷ مَثَل اول
- ۲۴۲ مَثَل دوم
- ۲۴۶ مَثَل سوم
- ۲۵۳ مَثَل چهارم
- ۲۶۰ مَثَل پنجم

👈 به عنوان پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ یا صاحب الزمان ادرکنا ﴾

مرگ پایان زندگانی انسان نیست؛ بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از زندگانی اوست.

مرگ دروازه‌ای گشوده به سوی حیات آخرت است.^(۱)

مرگ پاسخ‌گویی و لَبّیک گفتن به دعوت ناگزیر خدای هستی‌بخش، در انتقال از سرایی فانی و ناپایدار، به منزلگاهی باقی و پاینده است.^(۲)

مرگ سفری نزدیک به دیار جاودانگی است.^(۳)

مرگ برای انسانی که دل به خدا داده و با ایمان و یاد قیامت، عمل صالح را ره توشه سفر آخرت خویش قرار داده است، شادمانی و آسایش

۱- «الموت باب الآخرة». امیرالمؤمنین علیه السلام، غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۴، چاپ دانشگاه تهران.

۲- «... واستحضرتنا دعوتك التي لا بدّ منها ومن اجابتها...» امام سجاده علیه السلام، صحیفه سجادیّه، دعای یازدهم.

۳- «الرحیل وشیکه». امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۷۸.

و بازگشتی خجسته به سوی بهشت برین است. (۱)

مرگ برای او بشارتی به نعمت‌های جاودانه است. (۲)

مرگ برای او بالاترین شادمانی است. (۳)

مرگ پلی برای عبور دادن مؤمن از شداید و ناگواری‌ها به سوی بهشت

بیکران و نعمت‌های همیشگی است. (۴)

مرگ برای مؤمن، چونان کندن جامه‌ای چرکین و پوشیدن لباسی فاخر

به جای آن، چونان باز کردن بندها، شکستن زنجیرها و سوار گشتن بر

رام‌ترین مرکب‌ها، چونان انتقال از منزلی ویران و وحشت‌زا به سرایی

ایمن و مأنوس است. (۵)

مردن برای مؤمن همچون بوییدن بهترین و دلپذیرترین رایحه‌ها است،

از کثرت خوبی این بو، خوابی آرام به سراغش می‌آید و همه درد

و رنج‌هایش پایان می‌پذیرد. (۶)

مردن برای مؤمنی که زاد سفر برگرفته و به حق آماده مرگ شده،

۱- «الموت... جاء بالروح والراحة والكرمة المباركة الى جنة عالية». رسول خدا ﷺ، فروع کافی، ج ۳، ص ۲۵۷.

۲- «...بشارة بنعيم الأبد...» امام جواد علیه السلام، از امیرالمؤمنین علیه السلام. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۵۴.

۳- «...عظم سرور یرد علی المؤمنین...» امام مجتبی علیه السلام، مدرک پیشین.

۴- «فما الموت الا قنطرة تعبر بكم عن البؤس والضراء الى الجنان الواسعة والنعيم الدائم.»

امام حسین علیه السلام، معانی الاخبار، چاپ نجف، افسست ایران، مکتبه المفید، ص ۲۷۴.

۵- امام سجاده علیه السلام، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۵۵، معانی الاخبار، ص ۲۷۴.

۶- «الموت للمؤمن كأطيب ريح يشمه فينفس لطيبه وينقطع التعب والألم كله عنه.» امام

صادق علیه السلام، مدرک پیشین، ص ۱۵۲، معانی الاخبار، ص ۲۷۲.

نافع تر از دوائی است که دردمندی برای معالجه خویش استعمال می‌کند، آری! اگر آنان نعمت‌هایی را که مرگ سبب وصول به آنهاست می‌شناختند، آن را طلب می‌کردند و دوستش می‌داشتند بیشتر از آن‌که انسان عاقل دوران‌دیش، برای دفع آفت‌ها و جلب سلامتی دارو را می‌طلبد و دوست می‌دارد.^(۱)

مردن برای مؤمن چونان وارد شدن به حمامی است که آخرین باقی مانده کثافتِ معاصی را از جان او می‌زداید و آلودگی گناهان را از پیکره هستی او پاک می‌کند.^(۲)

به راستی وقتی مؤمن، خود را در دنیا غریب می‌بیند و حصار بسته زندگی دنیایی را زندان روح ملکوتی خویش می‌شمارد، مرگ را که آغاز سفرش به وطنی آشنا، و سگوی پروازش به آسمان ملکوت است، چه سعادت می‌شمارد و چه ملتهبانه چشم انتظارش می‌ماند!

و چه زیباست تعبیر بلیغ رسول خدا ﷺ درباره کیفیت جان دادن شیعیان، که فرمود:

«هر یک از شیعیان ما که محبت بیشتری نسبت به ما داشته باشد، بیرون آمدن روح از بدنش همانند آن است که یکی از شما در گرمای

۱- «إِنَّ مِنْ اسْتَعْدَّ لِمَوْتٍ حَقَّ الاسْتِعْدَادِ فَهُوَ أَنْفَعُ لَهُ مِنْ هَذَا الدَّوَاءِ لِهَذَا الْمَتَعَلِّجِ، أَمَا أَنْهُمْ لَوْ عَرَفُوا مَا يُوَدَّى إِلَيْهِ الْمَوْتُ مِنَ النَّعِيمِ لَاسْتَدْعَوْهُ وَأَحْتَبَوْهُ أَشَدَّ مَا يَسْتَدْعَى الْعَاقِلُ الْحَازِمُ الدَّوَاءَ لِدَفْعِ الْأَفَاتِ وَاجْتِلَابِ السَّلَامَاتِ». امام جواد عليه السلام، معانی الاخبار، ص ۲۷۶.

۲- «... فَذَلِكَ الْمَوْتُ، هُوَ ذَلِكَ الْحَمَامُ وَهُوَ آخِرُ مَا بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ تَمَحِيصِ ذُنُوبِكَ وَتَنْقِيَتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ...» امام عسکری عليه السلام، مدرک پیشین.

سوزانِ روزی تابستانی، آبی سرد و گوارا بنوشد و دل تفتیده‌اش به آن
جلا یابد»^(۱).

و چنین است که مرگ، گل خوشبوی مؤمنان^(۲)، هدیهٔ ارزندهٔ ایمان
آوردگان^(۳)، آرامش دهندهٔ سعادت‌مندان^(۴)، غنیمت و بهرهٔ (بی‌پایان)^(۵)،
و کفارهٔ گناهان مسلمانان^(۶) به شمار آمده است.

اما اگر مرگ این است، چرا مردم این مقدار از مردن می‌ترسند و چرا تا
این حد از مرگ هراسانند؟!

مردی نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و پرسید: مرا چه می‌شود که مردن را
دوست نمی‌دارم؟

فرمود: آیا تو را ثروتی هست؟

عرض کرد: آری!

فرمود: آیا آن را پیش فرستاده‌ای؟

گفت: خیر.

فرمود: به همین خاطر است که مردن را دوست نداری^(۷).

۱- «انْ اَشَدَّ شَيْعَتَنَا لَنَا حَتَّى يَكُونَ خُرُوجُ نَفْسِهِ كَشْرَبِ احِدِكُمْ فِي يَوْمِ الصَّيْفِ الْمَاءِ الْبَارِدِ الَّذِي يَنْتَفِعُ بِهِ

القلوب». رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۶۲.

۲- «الموت ريحانة المؤمن». رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كنز العمال، خبر ۴۲۱۳۶.

۳- «افضل تحفة المؤمن، الموت». علي عَلَيْهِ السَّلَام، غرر الحكم، ج ۲، ص ۴۸۳.

۴- «في الموت راحة السعداء». علي عَلَيْهِ السَّلَام، غرر الحكم، ج ۴، ص ۴۰۶.

۵- «الموت غنيمته». رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كنز العمال، خبر ۴۴۱۴۴.

۶- رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مدرک پیشین، خبر ۴۲۱۲۲.

۷- امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام، بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۲۷.

و نیز رسول خدا ﷺ در جواب مردی دیگر که از او چنین پرسشی داشت، فرمود: «مالی را که داری - برای آخرتی که در انتظار توست - پیش فرست. دل انسان همراه مال اوست، اگر آن را پیش فرستاده باشد، دوست می‌دارد که به آن ملحق گردد. و اگر آن را پس انداز کرده باشد، دوست می‌دارد که با آن بماند.»^(۱)

کسی از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام پرسید: از چه رو مرگ برای ما ناخوشایند است و دوستش نمی‌داریم؟ فرمود: «از آن رو که آخرت خویش را خراب نموده و دنیایان را آباد ساخته‌اید. به همین خاطر انتقال از آبادی به خرابی را ناپسند می‌دارید.»^(۲)

به راستی چه چیزی جز ترس از حساب و کتابی سخت و عقوبتی دردآلود، می‌تواند شیرینی مرگ را در کام انسان تلخ گرداند؟

چه چیزی جز گناهان و خطاهایی که در گذشته مرتکب شده‌ایم، می‌تواند مرگ را در نظرمان مکروه و ناخوشایند جلوه دهد؟^(۳)

آیا شگفت نیست که انسان مرگ را به خاطر کثرت گناهان خویش مکروه شمارد و با این همه، باز هم به آنچه که مرگ را به خاطر آن ناخوش

۱ - «فقدّم مالك بين يدك، فإنّ المرء مع ماله، ان قدّمه أحبّ أن يلحقه وان خلفه أحبّ أن يتخلف معه». كنز العمال، خبر ۴۲۱۳۹.

۲ - «انکم احریتکم آخرتکم و عمرتکم دنیاکم، فانتم تکرهون النقلة من العمران الی الخراب». بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۲۹.

۳ - «هیئات ما تناکرتم الّا لما قبلکم [فیکم] من الخطایا والذنوب». امیرالمؤمنین علیه السلام، غرر الحکم، ج ۶، ص ۲۰۱، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۸۳.

می‌دارد، ادامه دهد؟^(۱)

آیا هنگام آن نرسیده است که با فراهم ساختن ره توشه آخرت، خود را برای کوچ ناگزیری که در پیش داریم آماده کنیم؟^(۲)

آیا هنگام آن نرسیده است که از ملاحظه عمر رو به کاهش خویش و از دیدن مردن دیگران، پرده فراموشی و غفلت را درهم بدریم و به خود آییم و برای سفر مرگ خویش، زاد و توشه بگیریم؟^(۳)

آیا هنگام آن نرسیده است که بانگ رحیل کاروان آخرت را بشنویم و به هوش آییم و بدانیم که این دنیا سرای ماندن نیست و باید آن را به آخرت فروخت؟^(۴)

«زندگی محدودی که گذشتن لحظات از آن می‌کاهد و مرگ آن را نابود می‌سازد، حتماً کوتاه خواهد بود. مهلت نامعلومی که گذشت شب و روز آن را درمی‌نوردد، به زودی به پایان خواهد رسید. آینده‌ای که با خود، خوشبختی جاودان یا بدبختی بی‌نهایت را به همراه خواهد داشت،

۱ - «یکره الموت لکثرة ذنوبه، و یقیم علی ما یکره الموت له». امیرالمؤمنین علیه السلام، نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمات قصار، حکمت ۱۴۲.

۲ - «ترحلوا فقد جد بکم واستعدوا للموت فقد اظلمکم». با استفاده از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام، نهج البلاغه فیض السلام، خطبه ۶۳.

۳ - «عجبت لمن نسی الموت وهو یری من یموت».

«عجبت لمن یری انه ینقص کل یوم فی نفسه وعمره وهو لا یتأهب للموت». با استفاده از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام، غرر الحکم، ج ۴، ص ۳۳۶.

۴ - «و کونوا قوماً صیح بهم فانتبهوا و علموا أن الدنیا لیست لهم بدار فاستبدلوا». با استفاده از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام، نهج البلاغه فیض السلام، خطبه ۶۳.

سزاوار بهترین آمادگی است. پس در این جهان، از همین جهان برای خود زاد و توشه‌ای بگیرید که فردای قیامت شما را از عذاب و شقاوت ایمن دارد. خوشا به حال بنده‌ای که از پروردگارش بترسد، خویشتن را اندرز دهد، توبه را مقدم دارد و بر شهوات خویش پیروز گردد.

مرگ از نظر انسان پنهان است، آرزویش وی را فریب دهد، شیطان همیشه همراه اوست، گناه و معصیت را در نظر او زینت بخشد تا انجامش دهد و او را در آرزوی توبه نگه دارد تا آن را به تأخیر اندازد و در حالت غفلت کامل مورد هجوم مرگ قرار گیرد. افسوس بر آن انسان غافل که لحظه لحظه عمرش، دلیلی بر محکومیت او به شمار می‌آید، و شقاوت و بدبختی، فرجام کار و عاقبت روزگار اوست.

بیایید از خدا بخواهیم ما و شما را از کسانی قرار دهد که هیچ نعمتی، آنان را به مستی و بی‌خبری نمی‌کشاند و هیچ هدفی، آنان را از اطاعت پروردگار باز نمی‌دارد و هیچ پشیمانی و اندوهی، پس از مرگ به وجود آنان راه نمی‌یابد»^(۱).

«خود را برای مرگ و شداید آن، پیش از فرارسیدنش آماده سازید، و قبل از آن که مرگ شما را فرا گیرد، آنچه را که لازمه رویارویی با آن است، فراهم آورید؛ زیرا سرانجام همگان مرگی است که منتهی به قیامت می‌شود و آن برای خردمندان پند و اندرز و برای جاهلان مایه عبرت است. قبل از فرارسیدن مرگ، خود را آماده کنید، برای آنچه می‌دانید؛ از

تنگی قبرها، شدت غم و اندوه، ترس از محشر، بیم‌های جان‌کندن، درهم شکستن استخوان‌ها، کر شدن گوش‌ها، تاریکی لحد، وحشت از آینده، اندوه تنگنای گور و پوشانیدن آن با سنگ و خاک»^(۱).

مرگ برای آن‌کس که خود را آماده سفر آخرت نکرده و از عمر خویش سرمایه‌ای برای نجات خویش نیندوخته است، اول دشواری‌ها و سرآغاز رنج‌ها و مرارت‌ها است. منزلگاه قبر و تنگی و فشار و وحشت بی‌پایان آن، برزخ و قیامت و بیرون آمدن از قبر و سرگردانی در محشر و نگرانی‌های آن، موقف میزان و حساب و گرفتن نامه اعمال و حسرت‌های جاودان آن، گذشتن از صراط و گرفتاری به آتش و عذاب‌های دردناک دوزخیان همگی مراحل سفر ناخواسته او پس از مرگ ناگهانی اوست، که هر کدام از آنها تدارکی بایسته را اقتضا می‌کند.



عالم ربّانی، عارف وارسته محدّث خبیر، مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی در کتاب شریف «منازل الآخرة» با نگاهی حدیث‌شناسانه به همه منزلگاه‌هایی که بر سر راه مسافران آخرت قرار گرفته‌اند، در صدد نشان دادن تصویری روشن از هر یک از این منزلگاه‌ها برآمده و کوشیده است تا ضمن برشمردن اهمّیت و خطرات هر جایگاه، ابزاری برای نجات از هول و وحشت هر کدام، و وسیله‌ای برای دست‌یابی به سلامت و مصونیت در هر مقام ارائه دهد و خواننده کتاب را به اندیشه تدارک و جبران خطاهایی

که در گردنه‌های خطرناک سفر آخرت موجب سقوط به دامن عذاب و عقاب الهی هستند، وادارد.



«واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران» افتخار دارد چاپ جدید این مجموعه نفیس را با امتیازاتی ویژه در کیفیت چاپ و ترجمه آیات و احادیث و ذکر منابع و اسناد روایات، به محضر مقدّس حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اهدا نماید و توفیق همه ارادتمندان حضرتش را در عمل به مضامین عالیه این کتاب از درگاه احدیت آرزو کند.



شایان ذکر است که سرگذشت اجمالی از زندگی مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی - تحت عنوان «محدّث قمی، عنصر فضیلت و اخلاص» - و کار مقابله با نسخه خطّی چاپ اول موجود در کتابخانه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و تصحیح متن کتاب منازل الآخرة، توسط محقق بزرگوار حجّة الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمدصادق امیدواری خراسانی انجام یافته که بجاست از زحمات ایشان تقدیر و تشکر شود و الطاف حضرت حجّت علیه السلام را برایشان آرزو نمایم.

واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران

بهار ۱۳۷۸